

100 نکته مدیریتی از نهج البلاغه

1. مدیر قبل از دیگران باید به اصلاح خویش بپردازد.
2. امور و کارها در گرو نتایج خود هستند.
3. پشتکار و جدیت در کار موجب پوشاندن عیبه‌ها می‌شود.
4. شخصیت آدمی از خلال کارش متجلی می‌شود.
5. در کار ناگزیر باید از کتمان و رازداری کمک جست.
6. در درگیریه‌ها و اختلافها، مدیر باید خود را مقصر بداند.
7. طمع، شکایت بردن به مردم و بدون توجه لب به سخن گشودن از عوامل ضعف مدیر است.
8. باید در پی به دست آوردن دوستان و ماندگاری بر دوستی و تباه نساختن آن بود.
9. آرزوی دروغین که مایه فریب انسان می‌گردد، خیال را لباس واقعیت می‌پوشاند.
10. غنیمت شمردن فرصت، اساس موفقیت در هر کاری است.
11. آدمی به زبانش شناخته می‌شود.
12. ارزش آدمی از خلال مهارتها و شایستگیهای او نمایان می‌شود.
13. برای سنجیده از تلاش نافرجام بهتر است.
14. کوتاهی در عمل موجب غم و اندوه می‌گردد.
15. آدمی باید توانمندیها و شایستگیهای خود را بشناسد.
16. صبر و شکیبائی یکی از ارکان موفقیت است.
17. استبداد راه شکست است.
18. هدف وسیله را توجیه نمی‌کند.
19. سعه صدر، نشانه موفقیت مدیر است.
20. بهترین راه، بستن راههای بدی و گشودن راه نیکوکاران است.
21. نمی‌توانی بدی را از محیط خود دور کنی مگر این که آن را در خودت از بین ببری.
22. کوتاهی در کارها موجب پشیمانی و حسرت است.
23. حق باید معیار در هر کاری باشد.
24. باید برنامه روزانه‌ای داشت که در بردارنده ساعاتی برای استراحت و بیرون کردن غم و اندوه از دل باشد.
25. نرمی و مدارا، راه کسب محبت دیگران است.
26. آدمی در شرایط سخت، شناخته خواهد شد.
27. اختلاف بین مسئولان موجب از بین رفتن تصمیمها می‌گردد.

28. صفات رهبر عبارت است : هیبت ، انصاف ، بخشش بر دیگران و تواضع .
29. باید با نفست مبارزه کنی تا به کار مناسب و در خور بررسی .
30. با پدیدار شدن ظلم، مدیر عزل می شود.
31. معیار کارها به ماندگاری آنهاست نه کثرت آنها .
32. کارها را به موقع خودش انجام ده ، نه زودتر و نه دیرتر .
33. مشورت کردن ، الزام آور نیست.
34. خوشرویی و شادابی موجب راه یافتن به قلب دیگران می شود.
35. خواندن باید مقرون به عمل باشد.
36. در هنگام مدح و ذم متعادل باش.
37. اطاعت نکردن از مافوق ، ظلم است و تکبر بر زیردستان هم ظلم.
38. معیار اطاعت ، مسئولیت پذیری است.
39. کارها باید مطابق اصول علمی صورت گیرد.
40. معیار رهبری ، پاسخگویی به نیازهای مردم است.
41. هنگام سخن گفتن ، سخت باید از سرآگاهی باشد و گر نه سکوت بهتر است.
42. ضرورتی ندارد که همه اهداف در یک زمان تحقق یابد.
43. روز را باید به سه بخش تقسیم کرد : ساعاتی برای عبادت ، ساعاتی برای کار و ساعاتی برای استراحت .
44. زشتیهای دنیا را می توان با زهد ورزیدن نسبت به دنیا کشف نمود.
45. همه چیز را برای خود نخواه .
46. شرایط زندگی یکسان نیست.
47. بردباری، عیبهای آدمی را می پوشاند.
48. فرمانده در میدان شناخته می شود.
49. هرگاه در کسی صفتی نیکو یافت شد، باید منتظر صفات خوب دیگر بود.
50. مدیر باید در امور ضروری مربوط به کارش ، از فقه آگاه باشد.
51. با کاستن شوخی ، احترام می بینی .
52. قناعت ، سرمایه افزوده است.
53. با تسامح و ارج گذاری به امور، مدیر می تواند با سخت ترین مشکلات مواجه شود.
54. مدیر باید خود را فردی عادی فرض کند. آن گاه پیرسد از یک مدیر چه انتظاری دارد اگر از زیردستان او باشد.
- هر آنچه را که انتظار داری، دیگران از تو انتظار دارند.
55. نسبت به رای مردم در باره افراد غافل مباش، کسی که مردم او را صالح می شناسند، پس صالح است.

56. مردم برادران تو هستند، پس باید به چشم برادری به آنها بنگری .
57. سلسله مراتب اداری باید رعایت شود.
58. حق و عدل ، معیار و رضایت مردم ، هدف است.
59. در پی کشف عیبهای زیردستان نباید بود.
60. راه سخن چینان را در فتنه ها ببند.
61. با بخیل و ترسو و حریص نباید مشورت کرد.
62. اجازه مدح و ثنا در کاری که مدیر انجام نداده است، نباید داده شود.
63. نیکوکار و بدکار نباید مساوی باشند.
64. قانون یا طرح پیشین را نباید لغو نمود.
65. تشکیل هیات مشاوران با ترکیبی از متخصصان و افراد با تجربه ضروری است.
66. شرایط به کارگیری افراد : دارای گوهری نیک ، از خاندان پارسا ، دارای سابقه نیکو ، دلیران و رزم آوران و بخشندگان و جوانمردان
67. مدیر باید همچون پدری باشد و بر کارکنان همچون پدر نظارت نماید.
68. نگاه به کارکنان باید از سر عدالت و انصاف باشد.
69. آگاهی از امنیت شغلی از امور ضروری مدیریت است.
70. سلسله مراتب اداری باید بر آزمایش و امتحان افراد مبتنی باشد.
71. رعایت ضوابط نه روابط .
72. نیازهای حیاتی کارمند، میزان حقوق او را تعیین می کند.
73. گماردن بازرسان مخفی بر کارکنان لازم است.
74. طمع مدیران موجب فقر دیگران می شود.
75. بیش از آنچه که گرفته می شود، باید بخشیده شود.
76. مدیر نباید فریب ظواهر را بخورد.
77. ازوظایف مدیر آن است که جلسه عمومی تشکیل دهد تا کارکنان با آزادی کامل حرفهای خود را بزنند.
78. برخی از کارها را مدیر خود باید انجام دهد.
79. کار امروز را به فردا میفکن.
80. مدیر برای تقویت اراده باید ساعتی از وقت خود را به عبادت بپردازد.
81. اشراف مستمر ناشی از احاطه کامل است و این یکی از ضرورتهای مدیریت می باشد.
82. در موقعیتهای پیچیده، مدیر باید دور اندیش باشد.
83. خود بینی و اعتماد به نفس کاذب و علاقه مندی به مدح و ثنا موجب از هم پاشیدگی نظام مدیریتی می گردد.

84. نیکی کردن به دیگران بدون منت گذاری.
85. برای هر کس کاری مناسب و مطابق با توانمندیهای او در نظر گرفته شود.
86. هر کاری را در جای خود انجام ده.
87. باید به مدیران مسئولیت به کارگیری افراد را داد.
88. هنگام خشم و عصبانیت تصمیم مگیر .
89. هر عقوبتی باید بعد از یادآوری معاد باشد.
90. مدیر هم باید الگویی نیکو از یک مدیر موفق داشته باشد.
91. همه کارکنان را یکسان نگریستن .
92. مطابقت درون با بیرون.
93. دادن حق دیگران قبل از گرفتن حق خود.
94. نیکی به انسانهای فتنه جو ، علاج آن است.
95. نسبت به متمردان و قانون شکنان باید سیاست نرمی و زشتی را با هم به کار بست.
96. پاداش مدیر باید به قدر ضرورت باشد.
97. تواضع ویژگی مدیران است.
98. از لغزش و خطاهای جوانمردان درگذرید.
99. به بخشش عادت کردن هر چند که کم باشد.
100. یاری جستن و توکل بر خدا راز موفقیت می باشد